

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

سوره مبارکه نصر

آموزش استغفار و تسبیح

بررسی واژگان سوره از کتاب التحقیق

نصر	هو إعانة في قبال مخالف.	تقویت و کمک و یاری در برابر مخالفان.
فتح	هو ما يقابل الإغلاق، أي رفع الإغلاق و السدّ و الحجب، و هذا المعنى يختلف باختلاف الموارد و الموضوعات، مادياً أو معنوياً.	در مقابل بستن یا رفع مانع است. این معنی در موضوعات مختلف متفاوت شده و می تواند مادی یا معنوی باشد.
رأی <sup>۱</sup> (رأیت)	هو النظر المطلق بأى وسيلة كان	مطلق نگاه کردن را گویند، به هر وسیله ای که باشد.

<sup>۱</sup> قاموس قرآن، ج ۳، ص ۳۴-۳۷: دیدن. دانستن. نگاه کردن «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي» انعام: ۷۶. یعنی چون شب او را فرا گرفت ستاره ای دید گفت: این پروردگار من است. «فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قَدْ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ» يوسف: ۲۸. ارباب ادب گفته اند: چون رأی با دو مفعول متعدی شود به معنی علم آید «وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ يَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» سباء: ۶. و «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ هُمْ أَلُوفٌ» بقره: ۲۴۳. طبرسی فرموده رؤیت در اینجا به معنی علم است ولی بهتر است به معنی نگاه کردن باشد، زیرا در آن صورت معنای «الی» درست خواهد بود؛ یعنی: آیا به آنان که هزاران نفر بودند از دیارشان خارج شدند نگاه نکردی؟

منظور نگاه عبرت است گر چه منظور الیهم در وقت نزول آیه نبودند ولی نگاه عبرت با شنیدن اخبار آنها نیز صحیح است علی هذا هر کجا که رأی با الی متعدی باشد معنی نگاه کردن درست است. مگر در بعضی از آیات («أ رأیت») جاری مجرای «اخبرنی» آمده و به آن کاف خطاب برای تأکید ضمیر داخل می شود «أ رأیتک هذا الَّذِي كَرُمْتَ عَلَيَّ» اسراء: ۶۲. یعنی: به من خبر ده از اینکه بر من برتری دادی. طبرسی تصریح کرده که این کاف فقط برای تأکید خطاب و نیز حرف خطاب است و اسم نیست که مفعول رأیت باشد. در اقرب نیز چنین است. همچنین است «أ رأیتم» و «أ رأیتکم» بمعنی: خبر دهید است «قُلْ أ رأیتم إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَا ذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ» یونس: ۵۰. «قُلْ أ رأیتکم إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ» انعام: ۴۷. (أری) رأی چون بیاب افعال رود پیوسته دو مفعول خواهد داشت مثل «وَ لَوْ أَرَآكُمْ كَثِيرًا لَقَسَلْتُمْ» انفال: ۴۳. یعنی اگر آنها را بتو در حال کثرت نشان می داد البته سست و متفرق می شدید. («ترائی») دیدن یکدیگر است «فَلَمَّا تَرَاءَا الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ» شعراء: ۶۱. چون دو جمع (فرعونیان و یاران موسی) یکدیگر را دیدند اصحاب موسی گفتند: ما گرفتار شدگانیم. («رئاء») به کسر اول به معنی تظاهر و نشان دادن به غیر است (اقرب) و آن این است که کار خوبی انجام دهد و قصدش تظاهر و نشان دادن به مردم باشد نه برای تقرب به خدا «لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ» بقره: ۲۶۴. صدقات خود را با منت گذاشتن و اذیت باطل نکنید مثل آن کس که مال خویش برای تظاهر به مردم خرج می کند که خرج چنین شخص نیز باطل است. «الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَّ» ماعون: ۶. آنانکه تظاهر و ریا می کنند همچنین است آیه ۱۴۲ نساء و ۴۷ انفال. (رئی) (بر وزن

دین	هو الخضوع و الانقياد قبال برنامج أو مقررات معينه.	خضوع و سرسپردگی به برنامه یا مقررات معین.
فوج (افواج)	هو قطع من شيء يتراءى فيه جريان.	دسته‌ای از چیزی که در آن جریان داشتن قابل رؤیت است.
سبح (سبح)	هو الحركة في مسير الحق من دون انحراف و نقطة ضعف، أو كون على الحق منزها عن نقطة ضعف.	حرکت در مسیر حق بدون انحراف و ضعف را گویند. تسبیح، منزّه داشتن از هر گونه نقص را گویند. (در آن دو قید حرکت در مسیر حق و دوری از نقص وجود دارد).
حمد	أنّ الحمد في مقابل الدّم، و يعبر عنه بالفارسيّة بكلمة ستایش، و عن الشكر بكلمة سپاس. إنّ الحمد يلازم التسبيح. و هو ثناء على جميل اختياري.	ستایش در مقابل مذمت است و به معنای ستایش در مقابل کار زیبایی است که از روی اختیار انجام شده است.
غفر (استغفر)	هو محو الأثر.	محو اثر را گویند.

علم): منظر و قیافه «و كم أهلكنا قبلهم من قرن هم أحسن أثاثاً و رءياً» مریم: ۷۴. چه بسیار کسانی پیش از آنها هلاک ساختیم که اثاث و منظرشان از اینها بهتر بود. («أ زآيت») الذي يكذب بالدين فذلك الذي يدع اليتيم» ماعون: ۱. ا زآیت در آیه شریفه به معنی اخبرنی نیست، بلکه معنی آن چنین است: آیا دیدی و شناختی آنکه را که جزا را تکذیب می‌کند او کسی است که یتیم را طرد می‌نماید. «أ زآيت الذي ينهي عبداً إذا ضلّى. أ زآيت إن كان على الهدى أو أمر بالتقوى. أ زآيت إن كذب و تولى أ لم يعلم بأنّ الله يرى» علق: ۹-۱۳. «أ زآيت» در هر سه مورد برای افاده تعجب است و تکرار آن برای تأکید آمده و جواب اذا در آیه اول و جواب هر دو «ان» در آیات بعدی محذوف است و فاعل «كذب و تولى» همان نهی کننده است که در آیه اول مذکور می‌باشد یعنی: آیا دیدی آنکس را که نمازگزار را از نماز نهی می‌کند حال چنین کسی در پیش خدا چگونه خواهد بود؟! به من بگو اگر نهی شده در هدایت باشد یا امر به تقوی کند حال ناهی چگونه خواهد بود؟! بگو به بینم اگر ناهی مکذب و روگردان از حق باشد پیش خدا چه وضعی خواهد داشت؟! هر سه «أ زآيت» معنای خبر بده دارند. (رأى) «و ما نراك اثناعك إلا الذين هم أراذلنا بادي الرأي» هود: ۲۷. رأی به معنی دیدن و نیز به معنی نظریّه و آنچه به فکر می‌رسد آمده است. در این آیه ظاهراً رأی مشهود که جمع آن آراء است مراد می‌باشد زمخشری گفته: نصب بادی الرأى برای ظرفیت است و اصل آن «وقت حدوث اول رأيهم» یا «وقت حدوث ظاهر رأيهم» است یعنی مردم به نوح گفتند که فقط اشخاص پست بتو گرویده اند آنهم در ابتدای رأی و بدون تدبیر و تفکر. در آیه «ليتحكم بين الناس بما أراك الله» نساء: ۱۰۵ گفته اند مراد همان رأی و نظر است نه تعلیم احکام از جانب خدا. در گذشته گفتیم: رأی چون به دو مفعول متعدی شود به معنی علم آید و ارباب ادب به آن تصریح کرده اند مثلاً جوهری در صحاح گوید: رأی با چشم به يك مفعول، و رأی به معنی علم به دو مفعول متعدی می‌شود. راغب می‌گوید: رأی آنگاه که دو مفعول گیرد معنی علم می‌دهد.

اما در بعضی جاها ملاحظه می‌شود با آنکه يك مفعول دارد به معنی علم آمده نظیر این آیه «أ و لم ير الذين كفروا أن السّموات و الأرض كانتا رتقاً ففتقناهما» انبياء: ۳۰. و آیات دیگر از این قبیل که زیاد است. در اقرب الموارد می‌گوید رأی و دیدن اعم است از آنکه با چشم باشد یا با قلب. لذا باید در اینگونه آیات بگوییم: دیدن با قلب مراد است که همان دانستن و درك کردن است و هر جا که مناسب باشد می‌توان آن را علم یعنی دیدن با قلب معنی کرد و لازم نیست در این باره در جستجوی دو مفعول باشیم.

<p>رجوع و توجه به سوي خدا را گویند.<sup>۲</sup> و از جانب خدا توجه او به بنده را گویند.</p>	<p>هو الرجوع من الذنب و الندم عليه. و هذا المعنى إذا انتسب الى العبد. و أمّا إذا انتسب الى الله المتعال: فتستعمل بحرف على، فتدلّ على الرجوع بطريق الاستعلاء و الاستيلاء، و يلزم هذا المعنى الرحمة و العطفة و المغفرة.</p>	<p>توب (توّاب)</p>
---	---	------------------------

---

<sup>۲</sup> این حالت را می‌توان در موقعیتهای زیر مشاهده کرد: خدا به بنده توجه کند که رجوع با استعلا و استیلا است و یا بنده به خدا توجه کند که رجوع به درخواست توجه خدا به بنده است. که این حال بنده می‌تواند از روی ندامت، گناه،... باشد.